

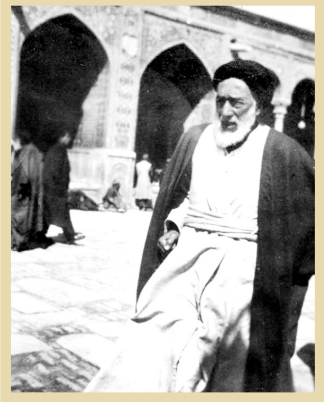
### شاهد توحیدی

روزه‌هایی که بر ما می‌گذرد مصادف است با سالروز ارتحال مرجع فقیهد مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدصدرالدین صدر(قده). آن بزرگ یکی از «مراجع ثلاث» بود که پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی حائری(قده) و در اوج اختناق رضاخانی، به اداره حوزه علمیه قم وحراست از آن همت گماشت و بی‌شک شکوفایی و بالندگی امر وروزه قم، مرهون زحمات بزرگانی چون اوست. «جوان»در سالروز محضر آن مرجع بزرگ و در پاسداشت مجاهدات وی، شما را با به‌خوانی فرازهایی مهم از حیات علمی و اجتماعی ایشان دعوت می‌کند. یادش گرامی باد.

مرقد مطهر امام هشتم حضرت رضا(ع) در مشهد مقدس همواره مؤثرترین عامل جلب توجه و تعلق خاطر شیعیان جهان به ویژه علما به کشور ایران بوده است. آیت‌الله‌العظمی سیدصدرالدین‌صدر(قدس سره الشریف) در سال ۱۳۲۹ق( ۱۲۹۹ش)، یک سال پس از وفات پدرش، به ایران مسافرت کرد و به فیض زیارت مرقد مبارک حضرت رضاع(ع) در مشهد نائل آمد اما اقامت زیارتی او طولانی شد و به سکونت پنج ساله‌اش در مشهد انجامید. در این مدت به تبلیغ و ارشاد مردم واقامه نماز جماعت و تدریس در حوزه علمیه مشهد مشغول بودو طلاب و فضلاء کثیری از محضر او استفاده می‌کردند. مدتی که از اقامتش در مشهد مقدس گذشت با دخت فاضله مرجع تقلید معروف و مبارز مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین قمی (درگذشته به سال ۱۳۲۵ش) ازدواج کرد. این وصلت خانوادگی بی‌سابقه و فقیه و مرجع بزرگ برای صدرالدین صدر در ایران و عراق مایه حسن شهرت و کسب حرمت و نفوذ بیش از پیش گردید و موقعیت اجتماعی ممتازی برایش به ارغام آورد. حتی سال‌ها بعد در ترویج و تثبیت مرجعیت او، تأیید پدر همسرش آیت‌الله حاج آقا حسین قمی نیز مؤثر افتاد.

**نیز مطالعه کنید در ایران**

اقامت در مشهد برای آیت‌الله صدر موقعیت بسیار مطلوبی فراهم آورده بود اما پس از گذشت حدود پنج سال در سال ۱۳۴۴ق (۱۳۰۴ش) به عراق برگشت و نزدیک به پنج سال ملازم درس و بحث خارج فقه و اصول علامه میرزا محمد حسین نائینی در نجف شد اما در سال ۱۳۴۹ق، برای بار دوم به ایران آمد و این بار برای همیشه ماندگار شد. آیت‌الله صدر هنگامی که وارد ایران گردید، ابتدا به قم رفت و مرقد حضرت معصومه(س) را زیارت کرد. آن زمان حوزه علمیه قم



آیت‌الله صدر در حرم حضرت معصومه(س)

۹ساله شده و بامدیرت مدرانه آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری رونق و احتشامی چشمگیر گرفته بود و هنوز از تخریب رضاخانی و اعمال زور و فشار استبدادی او نشانی به چشم نمی‌خورد. آیت‌الله صدر در قم مورد توجه و عنایت شیخ مؤسس قرار گرفت. او در مدت توقف برای اکرام و احترام شیخ در درس وی می‌نشست. شیخ پیشنهاد کرد که درس و بحثی برای طلاب و فضلاء حوزه آغاز کند. آقا صدر پیشنهاد شیخ را پذیرفت و چندین ماه به تدریس و در عین حال منبر و اقامه نماز جماعت در قم مشغول شد تا اینکه از شیخ خداحافظی کرد و به مشهد مقدس برگشت. از حوادث آینده حوزه علمیه قم و دعوت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری از آیت‌الله صدر به قم در سال ۱۳۱۳ش معلوم می‌شود که شیخ در این مدت محدود چند ماهه، منش و روش عالمانه، سلوک اخلاقی، منزلت علمی، شیوه تدریس و تبلیغ و سعه‌صدر آیت‌الله صدر را کاملاً پسندیده و ایشان را برای تصدی زعامت حوزه شایسته دیده بود.

**بار دیگر در قم**

آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس) از پیش آمدن شرایط سختی که استبداد رضاخانی بر حوزه و روحانیت تحمیل و فشار را بر سر حوزه و روحانیت مضاعف کرده بود، بسیار نگران آینده حوزه و دوام و قوام آن بود. شیخ می‌دانست که برای اداره حوزه علمیه و تسدوم درس و بحث علمی و دینی در آن، فقیهایی مدیر و مدبر و صبور لازم است. او آیت‌الله سید محمد حجت و آیت‌الله سید صدرالدین صدر را برای تصدی این مسئولیت شایسته می‌دانست.

آقای حجت در قم فعالیت داشت اما آیت‌الله صدر در مشهد به سر می‌برد. شیخ در پی فرصت مناسبی بود که آقای صدر را به قم دعوت نماید تا اینکه در سال ۱۳۱۳ش یکی از تجار متدین قمی برای زیارت مرقد امام رضاع(ع)از مشهد شد. او برای خداحافظی به دینش مشهدالکریم رفت. شیخ به وی گفت: من پیر شده‌ام، اگر بتوانی آقای صدرالدین صدر را از مشهد به قم حرکت بدهی و با خود بیآوری، کار بزرگی کرده‌ای! آن تاجر سفارش شیخ مؤسس را در کمال شایستگی انجام داد و دعوت او را به آیت‌الله صدر ابلاغ نمود. ایشان هم دعوت شیخ را پذیرفت و به

همراه بازرگان قمی به قم عزیمت کرد. گفته می‌شود شیخ با دیدن سید صدرالدین صدر بسیار خوشحال و شگفت‌روشن گردید. بدین گونه فصل جدیدی در زندگی آیت‌الله صدر و در تاریخ حوزه علمیه قم آغاز شد و از آن پس تا آخر عمر حدود ۱۹ سال تمام در قم ماند و منشأ آثار و خدمات علمی و اجتماعی فراوانی بود. به عنوان یکی از مراجع بزرگ تقلید و زعیم حوزه موفق شد صدها عالم و مجتهد را پرورش دهد (بعد از وفات شیخ مؤسس، به همراه دو مرجع دیگر (حجت و خوئساری) توانست حوزه را در سخت‌ترین شرایط سال‌های حفقان قبل از شهریور ۱۳۲۰ حمایت نماید.

**تدریس در قم**

مهم‌ترین فعالیت آیت‌الله صدر از جوانی در کربلا، نجف، مشهد و قم تدریس فقه و اصول بود، هر جا مدتی سکونت داشته‌به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب مشغول بوده‌است. بعد از اقامت دائمی در قم هم در درس‌های شیخ عبدالکریم حائری شرکت می‌کرد و هم خود به تدریس سطوح عالی و درس خارج فقه و اصول می‌پرداخت. او تا آخرین روزه‌های عمرش تدریس را تعطیل نکرد. تعداد شاگردان او هر چند از تعداد شاگردان دو مرجع دیگر (حجت و خوئساری) کمتر می‌نمود اما اغلب طلاب و تربیت‌یافتگان مکتب فقهی و اصولی او مردان بزرگ تاریخی بودند. نام این شخصیت‌ها،مجتهدان و فرهیختگان نامی تاریخ علم و اندیشه و دین را در بین اسامی صدها شاگرد فاضل و می‌بینیم. شهید مرتضی مطهری، شیخ‌علی مشکینی، سیدمحمد باقر سلطان طباطبایی، سیدموسی شبیری رنجانی، شهید شیخ محمد صدوقی یزدی، شیخ مرتضی فقهی، سیدحسین مدرسی یزدی، سیدحسین موسوی گرمایی، سیدرضا صدر و امام موسی صدر (فرزندان آیت‌الله) و…

**آغاز مرجعیت**

علما، فضلا طلاب حوزه علمیه قم و مقلدان شیخ عبدالکریم حائری همه می‌دانستند که شیخ دو نفر از فقه‌های بزرگ حوزه یعنی حجت و صدر را وصی خود ۱۳۱۳ش معلوم می‌شود که شیخ در این مدت محدود چند ماهه، منش و روش عالمانه، سلوک اخلاقی، منزلت علمی، شیوه تدریس و تبلیغ و سعه‌صدر آیت‌الله صدر را کاملاً پسندیده و ایشان را برای تصدی زعامت حوزه شایسته دیده بود.

**بار دیگر در قم**

آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس) از پیش آمدن شرایط سختی که استبداد رضاخانی بر حوزه و روحانیت تحمیل و فشار را بر سر حوزه و روحانیت مضاعف کرده بود، بسیار نگران آینده حوزه و دوام و قوام آن بود. شیخ می‌دانست که برای اداره حوزه علمیه و تسدوم درس و بحث علمی و دینی در آن، فقیهایی مدیر و مدبر و صبور لازم است. او آیت‌الله سید محمد حجت و آیت‌الله سید صدرالدین صدر را برای تصدی این مسئولیت شایسته می‌دانست.

**هوشمندی و تدبیر**

هیچ دوره‌ای در تاریخ ایران نظیر دوره حاکمیت رضاخان پهلوی بر علمای دین و روحانیت و حوزه‌های علمیه، سخت نگذشته است. این واقعیتی است مبتنی بر صدها سند تاریخی که از زبان و قلم صدها هزاران عالم، نویسنده و گوینده متعلق به آن عصر خفگان، بازگو شده و به ثبت رسیده است. با توجه به سختگیری‌های رژیم پهلوی و مکر و نیرنگ‌هایی که بر ضد روحانیت به کار می‌برد، علما و روحانیون برای مضمون ماندن از دشمنی‌ها و توطئه‌های حکومت، بسیار احتیاط می‌کردند و در رفتار و روابط خود



**مروری بر کارنامه آیت‌الله‌العظمی سیدصدرالدین صدر از ورود به ایران تا رحلت**

# حافظ حوزه در دوره‌های خطیر

با مردم و ارباب رجوع خیلی هوشیار بودند تا آماج تیرهای زهر آگین خصومت رضاخانی واقع نشوند. مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالحسین غروی تبریزی که از شاگردان آیت‌الله صدر بود، خاطره‌ریل از این‌ایشان نقل می‌کرد که حاکی از هوشمندی و فراسمت مرحوم صدر در دوره رضاخان به‌ویژه بعد از وفات شیخ حائری است: «یک روز من با یک طلبه دیگر بعد از جلسه درس، به همراه استادمان آقای صدر در کوچه‌ای طولانی با هم می‌رفتم و در مورد مسائل درسی صحبت می‌کردیم، کسی هم‌در کوچه نبود. ناگهان زنی از یک خانه بیرون آمد، سر راه ایستاد و مسئله‌ای شرعی را از آقای صدر پرسید. ایشان ایستاد و پاسخ داد و بعد راه افتاد. آنگاه به ما گفت: اگر شما همراه من نبودید، پاسخ این خانم درامی گفتم و به راه خود ادامه می‌دادم، چون ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که گرفتار انواع بلا یا هستییم، اگر من به تنهایی در وسط کوچه‌ای خلوت، با یک زن صحبت می‌کردم و عوامل رضاخان سر می‌رسیدند، هیچ بعد نبود که برای ضربه زدن به روحانیت، شایعه می‌پراکنندند. ما باید در برابر این فتنه‌ها بسیار هوشیار باشیم.»

**در فرتزند پرومند**

جارد در اینجا پایدی از دوفرتزند ارجمند آیت‌الله صدر نمایم که مصداق بارز باقیات صالحات بودند. ایشان سه پسر و پنج دختر داشت، اما دو پسر او علاوه بر اینکه افتخار پدر و بلکه سلسله خاندان صدر محسوب می‌شوند در تاریخ شیعه و حوزه علمیه قم و روحانیت شیعه از جایگاهی بسیار والا برخوردارند. یکی از این دو فرزند دانشور، عالم فرزانه مرحوم آیت‌الله سیدرضا صدر (۱۳۳۳ – ۱۲۹۹ش) از مدرسان بزرگ حوزه علمیه قم بود و ده‌ها سال همچون پدر بزرگوارش در تعلیم و تربیت طلاب فاضل و علمای متعهد از هیچ اقدام و کوششی دریغ نوزید و از شخصیت‌های مؤثر حوزه و روحانیت به شمار می‌فت.ایشان همچنین در عرصه تحقیق و تألیف کتاب‌هایی ماندگار و سودمند، بسیار کوشا بود و آثاری علمی در زمینه‌های مختلف معارف دینی با قلمی توانا و نثری شیوا نگاشته است که از آن میان کتاب «حسن یوسف» بسیار مشهور است. او در زمینه تعلیم و تربیت طلاب، تألیف و نگارش کتاب‌های مفید و فراوان و داشتن اخلاق نیک و تهذیب نفس، درست آیینه تمام‌نمای پدرش بود.

دومین فرزند، عالم سیاستمدار و مجاهد متفکر امام موسی صدر (متولد ۱۳۰۷ش) است که در تاریخ مبارزات امت اسلامی به ویژه مسردم لبنان بر ضد امپریالیسم غرب و مستکبران جهانی و صهیونیسم غاصب، به عنوان یک رهبر بیدار و مصلح نقش اساسی ایفا نمود. او در جوانی به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تالیف کتاب‌ها و مجامع علمی و اجتماعات علمی و فرهنگی در قم و تبریز و سایر شهرها پرداخت. او در جوانی به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تالیف کتاب‌ها و مجامع علمی و اجتماعات علمی و فرهنگی در قم و تبریز و سایر شهرها پرداخت. او در جوانی به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تالیف کتاب‌ها و مجامع علمی و اجتماعات علمی و فرهنگی در قم و تبریز و سایر شهرها پرداخت.



امام موسی صدر در کنار پدرش آیت‌الله سیدصدرالدین صدر

داشته و پیشگام و پیشوای مقاومت اسلامی شیعیان جنوب لبنان محسوب می‌شود. او توانست مردم لبنان و گروه‌های سیاسی و بیروان مذاهب متعدد را در صفی واحد، در راستای کسب استقلال و مقاومت ضد استعماری متحد و منسجم گرداند و این کاری بسیار بزرگ و حیاتی برای ملت لبنان بود، به طوری که دشمنان نتوانستند حضور مؤثر و وحدت‌بخش او را تحمل کنند. بدین گونه امام موسی صدر از شهرویر ۱۳۵۷ در پی توطئه مشترک صهیونیست‌ها و دیگر دشمنان امت اسلامی ناپدید شد اما حضور معنوی و تأثیر پایدار او هنوز وار در بین مردم لبنان و در جبهه مقاومت اسلامی این کشور بر ضد صهیونیست‌های تروزیست و اشغالگر محسوس و الهام‌بخش است.

**در گذشت آیت‌الله صدر**

آیت‌الله صدر پس از ۲۴ سال عمر بپرکت و در عین حال پرفراز و نشیب در ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۷۲ق ای ماه ۱۳۳۲ بر اثر بیماری قلبی درگذشت. مرجع بزرگ آیت‌الله بروجردی بر پیکی او نماز گزارد. آنگاه جنازه آن بزرگوار در کنار قبر مؤسس حوزه شیخ عبدالکریم حائری یزدی، در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

او بحق از ارکان اساسی حوزه علمیه قم و مراجع و فقیهای بزرگ عالم تشیع بود که در دورانی بسیار سخت و بحرانی، توانست نقش ماندگار در تاریخ روحانیت و ایران ایفا نماید و سلامت خود را هم در توفان همان بحران‌ها از دست داد. به گفته خود دید فرماندار قم از لحظه‌ای شروع شد که با چشم خود دید فرماندار قم در فاجعه کشف حجاب، چارچرزی مسلمان و عقیقه‌را هنگام خروج از حرم حضرت معصومه(س) از سرش کشید و زیر پای خود پاره پاره کرد قلب آیت‌الله صدر از بی‌زمان دچار ناراحتی شدیدی شد و کم‌کم به صورت بیماری مستمر و آزارنده‌های در آمد که وی تا پایان عمر نزدیک به ۲۰ سال آن را تحمل کرد و در انجام همان بیماری اوز را پای در آورد.

**در سوگ آیت‌الله صدر**

در سوگ آیت‌الله صدر شعرا و فضلای اهل ذوق تأثرات معرفت دینی با قلمی توانا و نثری شیوا نگاشته است که از آن میان کتاب «حسن یوسف» بسیار مشهور است. او در زمینه تعلیم و تربیت طلاب، تألیف و نگارش کتاب‌های مفید و فراوان و داشتن اخلاق نیک و تهذیب نفس، درست آیینه تمام‌نمای پدرش بود. دومین فرزند، عالم سیاستمدار و مجاهد متفکر امام موسی صدر (متولد ۱۳۰۷ش) است که در تاریخ مبارزات امت اسلامی به ویژه مسردم لبنان بر ضد امپریالیسم غرب و مستکبران جهانی و صهیونیسم غاصب، به عنوان یک رهبر بیدار و مصلح نقش اساسی ایفا نمود.

# عاریخ

گفتوگو با ۸۸۴۹۸۴۲۸

# تجدید

برده‌ای دیگر از دخالت‌های امنیتی شاه در فرآیند اداره کشور

## ساواک و مجلسین شورای ملی و سنا



نمایی از مجلس شورای ملی در دوران پهلوی دوم

نیما احمدپور

**۳۶ سال قبل در چنین روزهای، رژیم شاه با اعلام انحلال ساواک سعی داشت تا خشم مردمی را فرو بنشاند که به چیزی کمتر از سقوط رژیم شاه رضایت نمی‌دادند. در سالیان پس از ۲۸ مرداد دست ساواک در اداره تمامی شئون کشور دیده می‌شد و همین موضوع یکی از عواملی بود که اقتشار گوناگون ملت را به جان آورده بود. در مقاله‌ای که پیش روی شماست یکی دیگر از ابعاد دخالت‌های ساواک در عرصه‌های گوناگون حاکمیتی یعنی مشارکت در تشکیل مجلس به تصویر کشیده شده‌است.**

بر اساس قانون اساسی مشروطیت، قوه مقننه و قانونگذاری ایران از دو مجلس سنا و مجلس شورای ملی تشکیل می‌شد. ترکیب نمایندگان دو مجلس در طول دوران قانون‌گذاری در دوران قاجار به و پهلوی -جز در زمان‌های محدود و نیز هنگام بحث و مذاکرات نمایندگان- نشان‌دهنده وابستگی آنها به دستگاه سلطنت بود. مجلسین مذکور در واقع طرح و برنامه‌های شاه را بررسی می‌کردند. در دوران دوم حکومت محمدر شاهانه، یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و برقراری مجدد نظام دیکتاتوری در ایران مجلس شورای ملی و مجلس سنا کاملاً زیر سلطه او قرار گرفتند. البته شاه سعی می‌کرد در برنامه‌هایی که به مجلس می‌داد، قانون اساسی را رعایت کند. مجلس به عنوان تأیید برای شاه محسوب می‌شد، ولی با این حال در این مجلس بحث کردن و سایر اموری که از نشانه‌های یک مجلس مستقل بود، رعایت می‌شد. البته در بعضی دور‌ها خصوصاً در مجلس سنا افرادی پیدا می‌شدند که به مخالفت با برنامه‌های شاه می‌پرداختند مانند مخالفت دو نفر از سناتور‌ها با تأسیس ساواک، ولی در مجموع فعالیت مجلسین بیشتر در مورد چگونگی اجرای برنامه‌های شاه دور می‌زد و کمتر خود برنامه‌ها مورد سؤال قرار می‌گرفت. ساواک پس از تأسیس رسمی در سال ۱۳۳۶ و خصوصاً بعد از تحولاتی که در دهه ۱۳۴۰ در آن سازمان انجام گرفت، کنترل نمایندگان مجلس و سناتور‌ها را نیز به عهده گرفت. دخالت مستقیم در انتخابات، نفوذ در میان نمایندگان و تهیه گزارش‌های متعدد از جلسات علنی و غیر علنی و کمیسیون‌های مجلس و نیز مسافله خصوصی نمایندگان از جمله عملکردهای ساواک بود.

**سنا و مجلس سنا**

تأثیر نقش ساواک در مجلس سنا و انتخابات سناتور‌ها محدود بود. سناتوری چون شرایط خاصی مانند سابقه وزارت، استناداری، سفارت، ریاست شعبه دیوان کشور و ۱۵ و سال و کالت دادگستری و… داشت. افرادی که داوطلب نمایندگی در مجلس سنا می‌شدند، در ساواک پرونده داشتند و در تأیید صلاحیت آنها ساواک مخالفت نمی‌کرد، ولی رویه آنها در مجلس زیر ذربین ساواک قرار می‌گرفت. افرادی که در نطق‌های خود و نیز در کمیسیون‌ها در برابر برنامه‌های شاه موضع مخالف می‌گرفتند، صلاحیت آنها برای دور بعد ر می‌شد. مثلاً در دوره چهارم مجلس سنا که سال ۱۳۴۲ تشکیل شد و تا سال ۱۳۴۶ ادامه داشت، چهار نفر از سناتور‌ها سیدجلال‌الدین تهرانی، دکتر غلامعلی رحیمی آذر خرمی، فتح‌الله فرود و محمدعلی ممتاز از انتصاب مجدد محرم شدند. در دوره‌های اخیر رسم بر این بود که از سناتور‌ها و نمایندگان که مورد رضایت شاه و ساواک نبودند، استعفا می‌گرفتند مانند استعفا مهرانگیز منوچهریان البته در مورد لویح دولتی و طرح‌های نمایندگان چه در مجلس سنا و چه در مجلس شورای ملی ساواک تأثیر زیادی نداشت، چون لویح و طرح‌ها معمولاً در اجرای برنامه‌های شاه و توسط او ابلاغ می‌شدند.

**ساواک و انتخابات**

ساواک در برگزاری انتخابات مجلسین دو نقش به عهده داشت: ۱- بررسی سوابق و صلاحیت داوطلبان نمایندگی. ۲- تأمین امنیت و حفظ آرامش در برگزاری انتخابات. بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی به عهده ساواک بود. البته در مورد مجلس سنا به دلیل شرایط خاص سناتوری، ساواک کمتر دخالت می‌کرد. اسامی و مشخصات داوطلبان نمایندگی از طریق احزاب دولتی یا وزارت کشور برای تعیین صلاحیت به ساواک ارسال می‌شد. ساواک در بررسی صلاحیت داوطلبان سه ملاک صلاحیت سیاسی، موقعیت اجتماعی و زمینه محلی را در نظر می‌گرفت. ساواک در بررسی صلاحیت افراد بیشتر به صلاحیت سیاسی آنها توجه می‌کرد و حتی در بعضی موارد افرادی را که از موقعیت اجتماعی و زمینه محلی لازم بر خوردار نبودند، تأیید می‌کرد. (۱) در واقع میزان وفاداری افراد به رژیم و وابستگی آنان به مقامات

# جوان

# تجدید



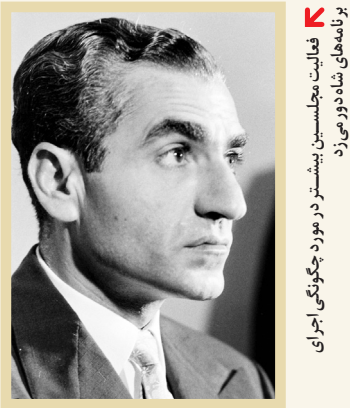
نیما احمدپور

دولتی و ساواک بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت. (۲) افرادی که داوطلب نمایندگی بودند، چون از نفوذ ساواک در این زمینه اطلاع داشتند، سعی می‌کردند با ایجاد ارتباط با ساواک و احیاناً همکاری با آن سازمان خود را در نظر مسئولان ساواک موجه جلوه دهند تا مغضوب ساواک واقع نشوند. ساواک علاوه بر بررسی صلاحیت‌ها داوطلبان مورد نظرش را نیز توصیه می‌کرد و به طور غیرمستقیم تبلیغات گسترده‌ای را از طریق عوامل و منابع خود برای آنها انجام می‌داد، اما اینکه نتایج انتخابات تا چه اندازه نزدیک به توصیه‌های ساواک بود، معلوم نیست. (۳) نقش دیگر ساواک در جریان انتخابات کنترل و تأمین امنیت انتخابات بود. در آستانه برگزاری انتخابات ساواک یک طرح مراقبتی و امنیتی تهیه و به مأموران خود ابلاغ می‌کرد.

همچنین ساواک در طول برگزاری انتخابات کاملاً آن را زیر نظر داشت و وزیر کشور به‌طور مرتب کیفیت برگزاری انتخابات و تعداد افراد رأی‌دهنده و… را به اطلاع ساواک می‌رساند. (۴)

**ساواک و کنترل نمایندگان مجلس**

مأموران ساواک به دقت اعمال، گفتار و… نمایندگان را تحت نظر داشتند و در صورت مشاهده هر نوع عمل و حرفی که مخالف نظر شاه و ساواک بود، آن را گزارش می‌دادند. اسناد ساواک نشان‌دهنده این است که ساواک نمایندگان یا کارمندان زیادی را در مجلس به استخدام و همکاری خود درمی‌آورد. ساواک انتظار داشت روزانه



فعالیت مجلسین بیشتر در مورد چگونگی اجرای برنامه‌های شاه دور می‌زد

گزارش‌های متعددی از منابع خود در مورد جلسات علنی، غیر علنی، کمیسیون‌ها و محافل خصوصی نمایندگان دریافت کند. برخی نمایندگان مجلس نیز که از نفوذ ساواک و تأثیر گزارش‌های آن در مقامات بالای مملکت و شخص شاه آگاه بودند در دوره‌های بعد نیز تأیید صلاحیت ساواک آنها را مجدداً بر کرسی مجلس می‌نشانده، برای خوش خدمتی به استنخدام ساواک درمی‌آمدند و اعمال و رفتار دیگر نمایندگان و اطرافیان خود را به ساواک خبر می‌دادند. اگر گزارشی در مورد رفتار ناشایست و سخنان خلاف نظر شاه و ساواک در مورد یکی از نمایندگان به سازمان امنیت می‌رسید، نماینده مذکور به ساواک فراخوانده می‌شد. مسئولان ساواک سعی می‌کردند با تطمیع، تهدید و… او را از نظر خود منصرف کنند. حتی یکی از نمایندگان مجلس که قصد استیضاح دولت را داشت، پس از اینکه به تهدیدات ساواک اهمیتی نداد و بر نظر خود پافشاری کرد، ساواک و مأموران آن با ماشین او را زیر گرفته و مروح کرده بودند. (۵)

ساواک در ماه‌های آخر عمر رژیم همچنان به مراقبت و کنترل خود از مجلس و نمایندگان ادامه می‌داد. این روزها آزادی‌های سیاسی و نهای آزادی‌طلبی نمایندگان مجلس و بعضی از سناتور‌ها را نیز وسوسه می‌کرد که به مخالفت با رژیم و برنامه‌های دولت بپردازند. ساواک درصدد یافتن علت مخالفت آنها با دولت و انتقاد از وضع موجود برآمد تا بتواند از ادامه این روند جلوگیری کند.

می‌توان نتیجه گرفت که ساواک در جریان انتخابات تعیین صلاحیت افراد داوطلب نمایندگی و کنترل اعمال و رفتار نمایندگان در مجلس و کمیسیون‌های تخصصی و… نقش بسزایی داشت، ولی در مورد طرح‌ها و برنامه‌هایی که در مجلس مطرح می‌شد، از آنجا که این طرح‌ها و برنامه‌ها معمولاً در مورد چگونگی اجرای برنامه‌های شاه صورت می‌گرفت و شاه نیز از آن آگاه بود، ساواک نقش محدودتری داشت. نمایندگان مجلسین که از نفوذ ساواک مطلع بودند، سعی می‌کردند از مخالفت با برنامه‌های شاه و دولت بپزدازند. کنتر و در صورتی که نماینده‌ای جرئت می‌کرد با برنامه‌ی مخالفت کند، در دور بعدی انتخابات صلاحیتش رد و از داشتن مشاغل حساس دولتی نیز محروم می‌شد.

**بی‌نوش‌ها در دفتر روزنامه موجود است.**